

در محضر قرآن و عترت

در محضر قرآن کریم

فضیلت سوره حمد و آیه «بسم الله الرحمن الرحيم»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
۱
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
۲
الرَّحْمَنِ
۳
الرَّحِيمِ
۴
مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ
۵
إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ
۶
اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ
۷
الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ

۱. از اسماعیل بن ابان در حدیثی مرفوع به پیامبر اکرم(ص) روایت شده است که رسول خدا(ص) به جابرین عبدالله فرمود: «ای جابر! آیا می‌خواهی بهترین سوره‌ای را که خداوند در کتابش نازل فرمود، به تو بیاموزم؟» جابر عرض کرد: «بله، پدر و مادرم به فدایت، بیاموز.» رای می‌گوید: حضرت، «الحمدلله»، یعنی امّ الکتاب را به او آموخت. سپس فرمود: «ای جابر! آیا می‌خواهی تو را از این سوره آگاه سازم؟» عرض کرد: «بله، پدر و مادرم به فدایت، آگاه ساز.» حضرت فرمود: «آن شفای هر دردی است به جز مرگ». (تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۴)

۲. جامع الأخبار، از ابن‌مسعود از پیامبر اکرم(ص) روایت کرده است که ایشان فرمود: «هرکس که می‌خواهد خداوند او را از شعله‌های نوزده‌گانه‌ی جهنم رهایی بخشد، «بسم الله الرحمن الرحيم» را بخواند؛ زیرا آن نوزده حرف است و خداوند هر حرف را سپر شعله‌ای قرار می‌دهد». (جامع الأخبار، ص ۴۲)

آداب معاشرت

آداب معاشرت از دیدگاه معصومین(ع)

(قسمت هفتم)

«در لزوم معاشرت با مردم از طریق ادای امانت، اقامه شهادت و راستگویی، همچنین در استحباب عیادت مریض و شرکت در تشییع جنازه و خوشرفتاری نسبت به همسایگان و خواندن نماز در مسجد»

خَیْثُمَه گوید: امام صادق(ع) به من فرمود: «سلام مرا به دوستان ما برسان، و آنها را به ترس از خدا و عمل صالح سفارش کن. افراد تندرست از بیماران عیادت کنند و ثروتمندان، فقیران را مورد توجه قرار دهند و در تشییع جنازهٔ مردگان حاضر شوند و به خانه‌های یکدیگر بروند و در امور دین با یکدیگر مذاکره کنند، زیرا رعایت این امور باعث جاودانگی دستورات ماست. خداوند رحمت کند بنده‌ای را که دستورات ما را زنده نگه دارد. ای خَیْثُمَه! آنان را آگاه کن که تنها چیزی که آنها را از غیر خدا بی‌نیاز می‌کند، کار شایسته و پسندیده است؛ زیرا به ولایت و دوستی ما نائل نمی‌شوند مگر با ورع و پرهیزگاری، ومعدّبت‌ترین مردم در روز قیامت کسی است که عدالت و حق را بستاید و سپس خلاف آنچه می‌گوید عمل کند».

(وسائل‌الشیعه (تألیف شیخ حرعاملی)، کتاب الحج، ابواب احکام العشره، باب اول؛ به‌نقل از کتاب «آداب معاشرت از دیدگاه معصومین(ع)»، تر جمه محمدعلی فارابی و یعسوب عباسی علی کمر، ص ۱۹)

پیام خانواده (۶)

غذای روح شیرین‌تر از غذای جسم

رسول خدا(ص): «مؤمن مطابق میل خانواده‌اش غذا می‌خورد و منافق، خانواده‌اش مطابق میل او غذا می‌خورد».
قَالَ رَسُولُ اللَّهِ(ص): «الْمُؤْمِنُ يَأْكُلُ بِشَهْوَةِ أَهْلِهِ وَالْمُنَافِقُ يَأْكُلُ أَهْلُهُ بِشَهْوَتِهِ». (کافی، ج ۴، ص ۱۲)

حکمت‌نامه لقمان (۶)

فرمانبرداری از خدا

لقمان به پسرش گفت: «ای پسرم! اگر تو بهشت را دوست می‌داری، پروردگارت نیز طاعت و فرمانبرداری را دوست می‌دارد. پس دوست بدار آنچه را که خدا دوست می‌دارد؛ و اگر تو از جهنم بدت می‌آید، پروردگارت نیز از گناه بدش می‌آید؛ پس آنچه را که خدا بد می‌داند، بد بدان تا تو را از آنچه بدت می‌آید، نجات دهد». (ارشادالقلوب، ص ۵۳)

*** اطلاعیه**

عزیزانی که در تولید محتوای صفحه قرآن و عترت تمایل به همکاری دارند، مطالب خود را از طریق راهکار سازمانی به شماره پرسنلی ۱۵۵۹۴۲۸۲ در قالب word ارسال نمایند.



امیرمؤمنان(ع) درباره عدالت و مفهوم‌شناسی آن، به‌طور مستقیم و غیرمستقیم، سخن‌ها گفته است که می‌توان به پنج مفهوم توجّه یافت:
الف) قرار دادن و قرار یافتن هر چیز در جای خودش:
این مفهوم از عدالت که مفهومی کهن از عدالت است، بدین معناست که هر چیز و هر کس، در هر حوزه و جایگاهی، آن‌جا قرار گیرد که بایسته و شایستهٔ آن است؛ چنان‌که امام‌علی(ع) در این‌باره فرمود: «عدالت هر چیز را به جای خود می‌نهد»^(۱) (نهج‌البلاغه، حکمت ۴۳۷)نک: تراز حیات؛ ساختارشناسی عدالت در نهج‌البلاغه، ص ۴۶)
ب) انصاف و داد:
واژهٔ «انصاف» به معنای چیزی را نصف کردن یا به نیمه رساندن است. «انصاف» در روابط و مناسبات اجتماعی و امور سیاسی و اداری بدین معناست که هر کس حقوق دیگران را رعایت کند و آن را چون حقوق خود بداند؛ و آن‌چه برای خود می‌خواهد، برای دیگران نیز بخواهد(نک: همان، صص ۴۸–۴۹).

در آموزه‌های امام‌علی(ع) آمده است: «عدل، انصاف داشتن است.»^(۲) (نهج‌البلاغه، حکمت ۲۳۱) چنان‌که امام باقر(ع) فرموده است: «هیچ عدالتی مانند انصاف نیست.»^(۳) (تحف‌العقول، ص ۲۷۶) همچنین به معنای دادخواهی و گرفتن حق و دادن آن است. امیرمؤمنان(ع) در سخنی در اوایل زمامداری خود، به موضع‌گیری دادخواهانه خویش اشاره کرده و فرموده است: «به‌خدا سوگند داد ستمدیده را از ستمکار خواهم گرفت و ستمکار را با افسار خودش پیش خواهم برد تا او را به آبخشور حق درآورم؛ گرچه خودش مایل نباشد.»^(۴) (نهج‌البلاغه، کلام ۱۳۶) حضرت در نامه‌ای به کارگزاران خراج فرموده است: «مردم را از سوی خود انصاف دهید» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۱) یعنی کارگزاران در رفتار و مناسبات خود و انجام وظایف و مأموریت های خویش، از روی عدالت و داد، رفتار و عمل کنند و هیچ حقی را زیر پا نگذارند و حقوق مردمان را به درستی، همچون حقوق خود پاس دارند (تراز حیات؛ ساختارشناسی عدالت در نهج‌البلاغه، ص ۵۰). امیرمؤمنان(ع) در سخنی هشداردهنده فرموده است: «هر که داد ستمدیده را از ستمگر نستاند، خداوند قدرت و توانایی او را سلب نماید.»^(۵) (عیون‌الحکم و المواعظ، ص ۴۲۸)

ج) مساوات:
عدالت در آن‌جا که سخن از حقوق عمومی و قرار گرفتن در برابر قانون و بهره‌مندی از فرصت‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است، به مفهوم مساوات و برابری است (تراز حیات؛ ساختارشناسی عدالت در نهج‌البلاغه، ص ۵۰). امیرمؤمنان(ع) در نامهٔ خود به أسودبن قُطَیبه، سردار سپاه خُلوّان فرمود: «پس باید حقوق همهٔ مردم درباره حق یکسان باشد؛ زیرا هیچ‌گاه ستم جای عدل را نمی‌گیرد.»(نهج‌البلاغه، نامه ۵۹)

امام(ع) در ابتدای حکومتش به عَمّاربن یاسر و عبیدالله‌بن ابی رافع و ابوهیثم‌بن ثَبَّهّان مأموریت داد مالی را که در بیت‌المال بود و سرانه محسوب می‌شد، به مساوات تقسیم کنند و به آنان فرمود: «عادلانه (مساوی) تقسیم کنید، و کسی را بر کسی برتری ندهید.»^(۶) (مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۹۰)
د) رعایت حقوق و رساندن هر ذی‌حقی به حَقّش:
از مفاهیم اساسی و کلیدی عدالت، رعایت حقوق و به‌جا آوردن آن است؛ و این‌که حق هر ذی‌حقی به تناسب میزان آن، هر چه باشد، ادا گردد. امیرمؤمنان(ع) فرموده است: «پس هرگاه رعیت حق فرمانروا را گزارد و فرمانروا نیز حق رعیت را داد، حق میان آنها عزّت یابد و برنامه‌های دین عملی شود و نشانه‌های عدالت برپا گردد و سنت‌ها بر مجرای خود به راه افتد و در نتیجه زمانه رو به صلاح و خوشی گذارد و امید به پایدنگی دولت رود و طمع دشمنان به یأس و نومیدی مبدل گردد»^(۷) (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۱۶).

در این‌جا برپا شدن عدالت، همان به جای آوردن و رعایت حقوق است. امام(ع) در پی آن بود که ستم‌ها را در همهٔ امور بزدايد و هرکس به حق شایستهٔ خود برسد؛ چنان‌که فرمود: «ذلیل نزد من عزیز است تا حق او را بستانم، و قوی نزد من ضعیف است تا حق را از او بازگیرم»^(۸) (نهج‌البلاغه، کلام ۳۷) عدالت در این مفهوم، رعایت حق هر دارای حقی است. هرچند که آن حق‌داران، مخالفانی باشند همچون خوارج؛ چنان‌که امیرمؤمنان(ع) دربارهٔ پاسداشت حقوق آنان به ایشان فرمود: «شما نزد ما سه حق دارید: شما را از مساجد خدا که نام او را در آنها بر زبان می‌آوريد منع نمی‌کنیم؛ و شما را از درآمد عمومی و غنائم تا زمانی که دستتان (در جنگ) همراه ماست محروم نمی‌سازیم؛ و تا جنگ را با ما آغاز نکرده‌اید با شما نمی‌جنگیم»^(۹) (دعائم‌الإسلام، ج ۱، ص ۳۹۳).

ه) اعتدال و میانه‌روی:
عدالت به مفهوم اعتدال و میانه‌روی در آموزه‌های امام‌علی(ع) و در روابط و مناسبات شخصی، اجتماعی، مدیریتی، سیاسی و اقتصادی مورد توجه و تأکید است(تراز حیات؛ ساختارشناسی عدالت در نهج‌البلاغه، ص ۶۱) چنان‌که در سخنان آن حضرت آمده است: «بر تو یاد به میانه‌روی در کارها، زیرا هر که از میانه‌روی روی برگرداند، ستم کند و هر که بدان پایبند گردد، به عدالت رفتار کند»^(۱۰) (غرر‌الحکم و دررالکلم، ص ۴۴۴).

این مفهوم از عدالت در نامه امام(ع) به یکی از کارگزارانش چنین آمده است: «کدخدایان شهر تو از خشونت، بی‌مهری، تحقیر و تندخویی تو شکایت دارند و من نگرېستم و آنان را نه اهل آن دیدم که نزدیک و مقرب گردند؛ زیرا مشرکند؛ و نه اهل آن که دور رانده شوند و مورد جفا قرار گیرند؛ زیرا به عهد و پیمان خود پایبندند. پس در رفتار با آنان جامه‌ای از نرمش توأم با اندکی خشونت بپوش و راهی میان بی‌مهری و مهر پیش گیر و با آنان کج‌دار و مریز، میان نزدیک ساختن و دور کردن، رفتار کن. ان‌شاءالله»^(۱۱) (نهج‌البلاغه، نامه ۱۹).

ضرورت استقرار عدالت:
امیرمؤمنان(ع) به مالک اشتر، زمانی که او را فرماندار مصر گماشت، نوشت: «بهترین روشنی چشم و شادمانی والیان، برپایی عدل در همهٔ شهرها و آشکارشدن دوستی رعیت به آنان است.»^(۱۲) (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳)

پی‌نوشت‌ها در سایت نشریه موجود است.

فرهنگِ قوّه

سه‌شنبه ۳۰ آبان ۱۴۰۲ * ۷ جمادی‌الاولی ۱۴۴۵ **صفحه ۳**

در محضر امیرمؤمنان(ع)

ملاقات مردمی و رفع تشریفات اداری

الف. امیرمؤمنان(ع) به مالک اشتر، زمانی که او را فرماندار مصر گماشت، نوشت: «پوشیده بودن خود را از رعیت طول نده؛ زیرا پوشیده بودن والیان از رعیت شاخه‌ای از دلتنگی برای آنها و باعث کم‌آگاهی از کارهاست؛ و پوشیده بودن از آنها سبب ناآگاهی از حال آنهاست، در نتیجه چیزهای بزرگ در نظرشان کوچک و چیزهای کوچک در نظرشان بزرگ آید، و کار زشت زیبا و کار زیبا زشت جلوه می‌نماید، و حق با باطل درآمیزد.» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳)
ب. امیرمؤمنان(ع) به قُتُم بن عباس، زمانی که او را فرماندار مکه گماشت، نوشت: «باید که میان تو و مردم پیام‌رسانی جز زبانت و دربانی جز چهره‌ات نباشد. هیچ حاجتمندی را برای عرض حاجت از دیدار خود بازمدار؛ زیرا اگر در آغاز ورودش از درگاه تو رانده شود، دیگر ستوده نخواهی شد، گرچه پس از آن حاجتش را برآوری.» (نهج‌البلاغه، نامه ۶۷)

ج. «از مردمان روی پنهان مدار و حاجب از پیش خود بردار و درِ خانه‌ات را بر روی همگان بگشا و تکیه‌گاہت حق و حقیقت باشد؛ زیرا آن کس که با حق همراه باشد از عدالت منحرف نمی‌شود و نزدیکان و ویزگان را بر دیگران مقدّم نمی‌دارد و از خواہش نفس پیروی مکن که پیروی خواہش نفس تو را گمراه می‌کند و از راه خدا باز می‌دارد.» (مکاتیب‌الأئمه، ج ۲، ص ۶۲)

اسرار شریعت

(قسمت ششم)

سَرّ اینکه مستحب است سجود را طولانی کنند

شیخ صدوق با ذکر سند از ابوبصیر نقل می‌کند که امام صادق(ع) فرمودند: «ای ایامحمد، بر تو باد به طولانی کردن سجده، زیرا این از سنت‌های توبه‌کنندگان است.» (ترجمهٔ علل‌الشرایع، ج ۲، ص ۱۱۳؛ باب سی و نهم: سَرّ اینکه مستحب است سجود را طولانی کنند، حدیث ۱).

همچنین جناب صدوق با ذکر سند از ابوبصیر از امام صادق(ع) نقل کرده که آن جناب فرمودند: پدرم، از جدم، از آباء گرامش علیهم‌السلام نقل کردند که رسول خدا(ص) فرمودند: «سجود را طولانی کنید؛ زیرا هیچ عملی سخت‌تر بر ابلیس نیست از اینکه ببیند، فرزند آدم در حال سجده است، چه آنکه خودش مأمور به سجده شد ولی عصیان کرد. حال می‌بیند که این بنده امر به سجده شده و در سجده کردن امتثال (فرمانبرداری) می‌کند.» (همان، حدیث ۲).

احادیث

احادیثی درباره حضرت زهرا(س)

۱. خشنودی رسول خدا(ص) از خشنودی حضرت زهرا(س)

رسول خدا(ص): «مَن ارضی فاطمه فقد ارضانی و مَن اُسْخَطَ فاطمه فقد اُسْخَطَنی». «هرکس فاطمه(س) را خشنود کند، مرا خشنود کرده و هرکس فاطمه(س) را خشمگین کند، مرا خشمگین کرده است.» (إحقاق الحق، ج ۱۰، ص ۲۱۷)

۲. ارزش شناخت حضرت زهرا(س)

امام صادق(ع): «فَمَنْ عَرَفَ حَقَّ مَعْرِفَتِهَا فَقَدْ أَدْرَكَ لَيْلَةَ الْقَدَرِ». «هرکس به شناخت حقیقی فاطمه(س) دست یابد، بی‌گمان شب قدر را درک کرده است.» (بحار‌الأنوار، ج ۴۳، ص ۶۵)

۳. همراهی حضرت زهرا(س) با شوهر در راه بندگی خداوند:

رسول خدا(ص) از امیرمؤمنان(ع) درباره حضرت فاطمه(س) پرسیدند. امام‌علی(ع) پاسخ فرمودند: «بِعَمِّ الْعَوْنِ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ». «فاطمه(س) خوب یآوری در راه اطاعت و بندگی خداست.» (بحار‌الأنوار، ج ۴۳، ص ۶۵)

۴. فضیلت تسبیحات حضرت زهرا(س)

امام باقر(ع): «مَا عَبَدَ اللَّهُ بَشِيْءَ مِنْ التَّحْمِيدِ أَفْضَلَ مِنْ تَسْبِيحِ فَاطِمَةَ». «خداوند در حمد و ستایش، به چیزی برتر از تسبیح فاطمه(س) عبادت نشده است.» (کافی، ج ۳، ص ۳۴۳)

۵. شوهرداری حضرت زهرا(س)

امیرمؤمنان، امام علی(ع): «فَوَاللَّهِ ... وَ لَا أَغْضَبَتْنِي وَ لَا غَضَّتْ لِي أُمْرًا وَ لَقَدْ كُنْتُ أَنْظُرُ إِلَيْهَا فَتَنَكَّشِفُ عَنِّْي الْهُمُومُ وَ الْأَحْزَانُ». «به خدا سوگند که فاطمه(س) هیچ‌گاه مرا خشمگین نکرد؛ و در هیچ‌کاری از من سرپیچی نمود؛ و من هرگاه به فاطمه(س) نگاه می‌کردم، غم و اندوه از من زدوده می‌شد.» (بحار‌الأنوار، ج ۴۳، ص ۱۳۴)

۶. حضرت زهرا(س)، راستگوی شهید

امام کاظم(ع): «إِنَّ فَاطِمَةَ سَلامَ اللَّهِ عَلَيْهَا صِدِّيقَةٌ شَهِيدَةٌ»، «فاطمه(س) بانوی بسیار راستگویی است که او را به شهادت رساندند.» (کافی، ج ۱، ص ۴۵۸)